



تاریخ

بررسی رسانه‌های مخالف در خارج از کشور

● از مشروطه تا انقلاب

نویسنده: دکتر حمید مولانا

ترجمه: یونس شکرخواه

اشاره

دکتر حمید مولانا استاد ایرانی دانشکده ارتباطات بین‌المللی «دانشگاه واشنگتن دی.سی.» دست به بررسی و تحقیق عملکرد رسانه‌های مخالف دولت ایران در خارج از کشور، از مقطع قبل از انقلاب مشروطه تا مقطع استقرار جمهوری اسلامی ایران زده است. این بررسی به صورت یک گزارش، به شانزدهمین کنگره جهانی مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی پژوهش‌های مربوط به وسایل ارتباط جمعی (۲۴ تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۹) در بارسلون اسپانیا ارائه شده است.



○ چهارچوب نظری

رسانه‌های مخالف، در خارج از مرزهای یک کشور مفروض، در تاریخ معاصر و طی دوران نوین وسایل ارتباط جمعی، چهار عملکرد عمدی داشته‌اند:

- ۱- سازماندهی و بسیج
- ۲- اطلاعات و تبلیغات
- ۳- ایدئولوژی و اسطوره‌شناسی
- ۴- ارزیابی و انتقاد از خود

این عملکردها ویژگی رشد تاریخی رسانه‌های مخالف و شیوه بهره‌برداری از آنان در یک

● ارتباطات بین‌المللی در شکل شرکت رسانه‌های خارج از کشور در امور مختلف هم برای اصلاح‌طلبان و هم برای نیروهای انقلابی توان یکپارچه کردن منابع و مشروعیت بخشی به مسائل آنان را فراهم کرده است.

را ایفا می‌کند و به این ترتیب امکان یک «باز فرست» را برای اقدامات اصلاحی فراهم می‌سازد.

نقشهایی که برای رسانه در نظر گرفته شده است و همچنین عملکرد واقعی آن، به‌طور لزوم موفقیت‌نشریه مورد بررسی را تضمین نمی‌کند. در واقع وجود چند عامل، پیش شرط موثر بودن عملکرد رسانه‌هاست.

نخستین عامل، مشروعیت و اقتدار است که میزان پذیرش پیامهای ارتباطی را تعیین می‌کند و پایه‌گذار معیار کنشهای ارتباطاتی در داخل و خارج کشور است.

دومین عامل اساسی که به عامل فوق مربوط می‌شود و اهمیت خاص خود را دارد، اعتبار ارتباطی است. اعتبار و پیوستگی اخبار و اطلاعات در رسانه یک شاخص مهم است که روند کسب مشروعیت با آن می‌تواند حفظ و تقویت شود.

سومین عامل، تواناییهای تشکیلاتی و زیرساختی گروههای مخالف، در انتشار پیامهای تولیدشده بین اعضای جنبش و توده مردم است. چگونگی توزیع رسانه از طریق کانالهای تشکیلاتی رسمی و غیررسمی، به مقدار قابل توجهی میزان پیشروی قدرت سیاسی را در درون سیستم تعیین خواهد کرد.

به عنوان عامل نهای این مقوله، باید ماهیت رقابت‌آمیز و تنوع تکنولوژیهای مدرن ارتباطی را نیز به حساب آورد. کوتاه سخن آنکه، مؤثر بودن ارتباط به میزان کاربرد تکنولوژیهای متنوعی که نظامهای کاملا رقابت‌آمیز رسانه‌های ما را مشخص می‌کنند، وابسته است.

هدف این پژوهش، بررسی ماهیت و نقش رسانه‌های مخالف خارج از کشور، در جنبشهای سیاسی ایران طی قرن گذشته و ارزیابی تأثیر این کنشهای ارتباطی بر نتیجه فرایندهای سیاسی و اجتماعی این دوران است. به انقلاب مشروطه به خاطر بررسی پاره‌ای از مسائل مفهومی و نظریه‌ای توجه ویژه‌ای شده است. این مسائل در این پژوهش مطرح می‌شوند.

ترجیح می‌دهم در این پژوهش، از اصطلاح «مخالف» به جای «تبعیدی» استفاده کنم. دلیل این کار روشن است. چرا که کاربرد کنونی واژه «تبعید» بسیار مبهم است. واژه تبعیدی برای پوشش طیفی از افراد و گروهها، شامل آنان که به دلایل سیاسی به خارج از کشور فرستاده شده‌اند، آنان که به دلیل خلافت‌کاریهای خود و گریز از مجازات از کشور گریخته‌اند و نیز برای پوشش آنان که خود را «خود تبعیدی» می‌دانند. زیرا به رژیم کنونی علاقه ندارند و ترجیح می‌دهند در خارج از کشور زندگی کنند. به کار برده می‌شود. افزون بر این، از اصطلاح «رسانه» در این پژوهش برای اشاره به همه ابزارهای ارتباطی اعم از رسانه‌های چاپی و الکترونیکی استفاده شده است، تا از مفهوم محدود «مطبوعات» که به‌طور سنتی به

شرایط سیاسی- اجتماعی مفروض است. از آنجایی که رسانه‌ها می‌توانند شرکت توده‌وار افراد را در یک فرایند اجتماعی آسان کنند، ویژگیهای سازمان‌دهندگی و بسیج‌کنندگی وسایل ارتباط جمعی، توسط سیاستمداران، انقلابیون و رهبران سیاسی برای گردآوردن افراد حول یک جنبش مفروض مورد استفاده قرار گرفته است. نکته مهم این نیست که رسانه چه می‌گوید، عامل مهم نقش اجتماعی و سازمان‌دهنده آن است. رسانه به انجام گرفتن یک فعالیت مهم کمک می‌کند، فعالیتی که در کنار آن سازمان و عملکردها به مثابه ابزاری برای نیل به هدف اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، بسیاری از نویسندگان تاسیس یک رسانه خبری انقلابی را مفید می‌دانند، زیرا چنین رسانه‌ای به ایجاد یک کانون عالی برای رشد تشکیلات سیاسی منجر می‌شود.

دومین عملکرد رسانه‌های مخالف، انتشار اخبار و اطلاعات و در بسیاری از موارد تبلیغات است. در این زمینه، رسانه‌های مخالف برای نظارت بر اوضاع، در جهت کاهش تردیدها و تکمیل عملکردهای خبری و اطلاع‌رسانی که به‌طور سنتی برای رسانه‌های عمومی در نظر گرفته شده‌اند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، رسانه‌های مخالف به ارائه اخباری می‌پردازند که ظاهراً از سوی رسانه‌های رسمی در دسترس قرار داده نمی‌شوند.

سومین عملکرد رسانه‌های مخالف، تبلیغ یک ایدئولوژی یا یک اسطوره بوده است. نظر به اینکه عملکرد سیاسی هر نیروی مخالف دولت، چه در سطح انفرادی و چه در شکل گروهی، نفی سیستمهای سیاسی- اجتماعی و اقتصادی حاکم است، توضیح و تبیین ایدئولوژی جایگزین، اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

چهارمین عملکرد رسانه‌های مخالف، ارزیابی و انتقاد از خود بوده است. در این مرحله، نیروی مخالف با استفاده از کانالهای ارتباطی سازمانی و نیز با استفاده از رسانه‌ها، تلاش می‌کند تا استراتژی و تاکتیکهای خود را در ارتباط با شکستها و ضعفهای خود دوباره مورد بررسی قرار دهد. رسانه در این حالت، در میان رهبری و کادرهای تشکیلات، نقش یک کمر بند انتقामी

● تجزیه و تحلیل کنش رسانه‌های مخالف در خارج از کشور، بروشنی نشان می‌دهد که این رسانه‌ها در طول مرحله پیش و پس از انقلاب مشروطه و در طی انقلاب اسلامی در تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی ایران نقشی بی‌نهایت موفق و اساسی داشته‌اند.

روزنامه‌ها و رسانه‌های چاپی دیگر اطلاق می‌شود، پرهیز شود.

○ ایران معاصر، شش مرحله تاریخی

اختناق فرهنگی و فکری تا حدودی از بخشهای جدانشدنی تاریخ معاصر ایران بوده است. سلطه رژیمهای خودکامه در قرنهای نوزدهم و بیستم، به تغییر فکری و فیزیکی بسیاری از سیاستمداران، رهبران مذهبی، نویسندگان، روشنفکران و عده‌ای که می‌توان آنان را فعالان ایرانی خواند، منجر شده است. مهاجرت، تبعید اجباری و خودتبعیدی طی صد سال گذشته، از اجزای جدایی‌ناپذیر مبارزات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران بوده‌اند.

شهرهای اروپایی، آمریکایی، آسیایی، و حتی آفریقایی مانند پاریس، لندن، واشنگتن، بمبئی، استانبول، نجف و قاهره طی چند دهه گذشته برای بسیاری از ایرانیانی که این «مادر شهرها» را مرکز فعالیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی قرار داده‌اند، حکم «وطن» را داشته‌اند. این رهبران و گروه‌های گوناگون روشنفکری به علت روبرو شدن با استبداد و اختناق سیاسی در کشور خود، غالباً از رسانه‌های معاصر، برای گسترش مخالفت خود با رژیم‌هایی که در مصدر قدرت بوده و نیز برای انتقال عقیده‌ها و ایدئولوژی‌های خود به مردان و زنان هموطن خویش استفاده کرده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل عملکردهای رسانه‌ای ایرانیان «مخالف» در روند تحولات سیاسی ایران، شش مرحله مجزای تاریخی قابل شناسایی است.

۱- دوره پیش و پس از انقلاب مشروطه (۱۸۷۵ تا ۱۹۲۴ م. - ۱۲۵۴ تا ۱۳۰۳ ه. ش.) یا دوران پایانی سلسله قاجار.

۲- اولین مرحله سلسله پهلوی (۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ م. - ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه. ش.) یا مرحله ظهور و سقوط رضاخان آغازگر این سلسله.

۳- دوره جنگ جهانی دوم و مرحله پس از جنگ (۱۹۴۱ تا ۱۹۵۳ م. - ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ه. ش.) که شامل دوران دوم رژیم پهلوی است، یعنی مرحله پسر رضاخان، محمدرضا به عنوان شاه.

۴- دوره پس از کودتای ۱۹۵۳ (تقریباً بین سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ م. - ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ه. ش.) که با سرنگونی دولت ملی‌گرای دکتر محمد مصدق و بازگرداندن مجدد محمدرضا به سلطنت توسط ایالات متحده و انگلیس آغاز شد.

۵- مرحله بین سالهای اخیر که با استقرار جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ ه. ش.) آغاز می‌شود.

هر یک از این مراحل روند تاریخ سیاسی نوین ایران، بسر تحول رسانه‌های مخالف، تأثیرهای مهمی داشته است. در پی هر یک از این تغییرات مهم سیاسی در کشور، تعداد شایان توجهی از مخالفان سیاسی که نتوانسته‌اند به وعده‌های خود مبنی بر رسیدن به پیروزی وفا کنند، یا از کشور گریخته‌اند و یا مجبور به ترک

آن شده‌اند. این عده پس از یک دوره کوتاه نقاهت روانی و فیزیکی معمولاً به ترمیم زیرساخت‌های سازمانی و ارتباطی خود پرداخته و مبارزه تبلیغاتی علیه افرادی را که در قدرت بوده‌اند، آغاز کرده‌اند (این امر بیشتر از طریق روزنامه‌ها صورت گرفته است). نگاهی به پژوهش‌های تجربی مربوط به تحول رسانه‌های مخالف، از یک ارتباط محکم مثبت، میان بروز رویدادهای سیاسی و رشد میزان روزنامه‌ها مخالف خبر می‌دهد. بنابراین، این مراحل شش‌گانه در سنجش و ارزیابی سطح فعالیت (یا انفعال) و موفقیت یا شکست رسانه‌های مخالف نقش مهمی ایفا می‌کنند.

○ دهه‌های انقلابی

تجربه و تحلیل کنش رسانه‌های مخالف در خارج از کشور، طی مراحل یادشده، به روشنی نشان می‌دهد که این رسانه‌ها در طول مرحله «پیش و پس از انقلاب مشروطه» (۱۸۷۵ تا ۱۹۲۴ م. - ۱۲۵۴ تا ۱۳۰۳ ه. ش.) و نیز در طی مرحله «انقلاب اسلامی» (۱۹۶۳ تا ۱۹۷۹ م. - ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ه. ش.) در تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی ایران نقشی بی‌نهایت موفق و اساسی داشته‌اند. این امر بیشتر به توان تشکیلاتی، عقیدتی و مشروعیت‌دهی آنان مربوط می‌شده است. در هر دو مرحله، توان تشکیلاتی آنها ناشی از قدرت آنان در ایجاد ارتباط با کانال‌های سنتی ارتباط بوده است. این کانال‌های سنتی عبارتند از: بازار، مسجد، مدرسه‌های مشهور مذهبی (علمیه) قم، مشهد، اصفهان و تبریز و همچنین هزاران مرکز تجمع نظیر «هیئت»، «تکبیه»، «حسینیه» و «انجمن»^(۱).

افزون بر این، زیر ساخت تشکیلاتی داخل کشور آنها نیز در وزارتخانه‌های دولتی، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و صنفها نفوذ فزاینده‌ای داشته است. در دوران انقلاب مشروطه و پس از آن، در دوره انقلاب اسلامی، همگرایی و ادغام کانال‌های «قدیمی» و «نوین» ارتباطی باعث بروز شبکه‌های مقتدر و بی‌نظیری شد که به مثابه مجتمعات منطقه‌ای و ملی توزیع‌کننده (پیامها)، پیام‌های فرستاده شده از خارج را با یک بازفرست قابل توجه در داخل

● امروزه محتوای رسانه‌های مخالف خارج از ایران، نزاع‌های «کهن» - راست، چپ و میانه‌رو - است، نزاع‌هایی که در عمل بی‌تأثیر بوده و به لحاظ سیاسی نیز از سوی بخش‌های گسترده‌ای از مردم ایران، مورد پذیرش قرار نگرفته است.

کشور توزیع می‌کردند.

در هر دو مرحله تاریخی، رهبران و رسانه‌های مخالف خارج از کشور می‌توانستند از تسهیلات مدرن ارتباطی دوربرد ملی و بین‌المللی به طرز مؤثری استفاده کنند. در حالی که وسایل نوظهور ارتباطی تلگرافی و پستی در دوران انقلاب مشروطه، توزیع پیامها را آسان کردند، عصر ارتباط دوربرد فضایی - در شکل ماهواره‌ها، تلکس، فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، نوارها و سایر تکنولوژی‌های الکترونیک - در دوران انقلاب اسلامی، بوم‌شناسی نوینی از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی را فراهم ساختند. به عنوان مثال آیت‌الله خمینی می‌توانست از پاریس پیام‌های خود را با تلفن و نوار کاست به ایران بفرستد. هزاران نفر در ایران این پیامها را تکثیر می‌کردند و از طریق شبکه‌های غیررسمی و سنتی، آنان را به اطلاع مردم می‌رساندند. این روش ارتباطی علاوه بر معتبر بودن و ایجاد تهییج خاص پیام‌های شفاهی، از لحاظ ماندگاری و در دسترس بودن، مانند پیام‌های کتبی بود. در حقیقت انقلاب اسلامی نخستین انقلاب تاریخ بود که مدرن‌ترین تکنولوژی‌های ارتباط دوربرد را با سنتی‌ترین سیستم‌های ارتباطات اجتماعی درآمیخت و به شیوه‌ای موفقیت‌آمیز و در چنین سطح بالایی از آن استفاده کرد.

علاوه بر این، رسانه‌های این دو مرحله، از

دموکراسی، به تریبونهای قابل دسترس کسانی تبدیل شدند. چه ایرانی و چه خارجی - که آماده ارائه سوبسید به آنها بودند.

نقش نشریهها در دوران جنگ و پس از جنگ تا حدودی شبیه نقش آن دسته از احزاب سیاسی بود که در دهه ۱۹۴۰-۱۳۱۹ ه. ش. در تبعید تاسیس شده بودند. به جز چند مورد استثنایی، هیچ روزنامه منفردی نمی توانست نفوذ خاصی را اعمال کند. اما نقش قریب به ۳۰۰ روزنامه و مجله در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹ ه. ش.)، به مثابه یک کل، غیر قابل انکار بود و توان بالقوه و اهمیت رسانهها، به مثابه شکل دهندگان افکار عمومی و کانالهای کسب اطلاعات مورد توجه قرار گرفته بود. رسانهها در سالهای پس از جنگ سهم بیشتری را در روشنتر ساختن و توصیف بحثهای جاری سیاسی به عهده گرفتند. در این دوران علیرغم وجود بی ثباتی سیاسی، سانسور مداوم و بسته شدن بسیاری از روزنامهها، طیفی از نشریههای گوناگون بانفوذی قابل توجه بر زندگی شهری ایرانیان تأثیر گذاشتند.

یکی از مهمترین پیامدهای کودتای ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ه. ش.) که باعث سرنگونی دولت مصدق و بازگشت محمد رضا به سلطنت شد، این بود که ایران بار دیگر به یک کشور پلیسی تبدیل شد، کشوری که در آن رسانهها و احزاب سیاسی یا ممنوع شدند و یا تحت نظارت شدید دولت قرار گرفتند. تمام رسانههای ایران در سالهای پس از ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ه. ش.) سازشکار باقی ماندند و این روند تا سالهای ۱۹۷۸-۷۹ (۱۳۵۷-۵۷ ه. ش.) یعنی سالهای انقلاب اسلامی ثابت ماند. همه احزاب سیاسی تحت کنترل سازمانهای امنیتی قرار گرفتند و تنها عملکردهای گروههای رسمی مورد توجه رسانهها قرار می گرفت. در نتیجه، احزاب مخالف به فعالیت زیرزمینی پرداختند و مجلهها و روزنامههای متعددی از سوی دانشجویان و گروههای تبعیدی در ایالات-

متحده و اروپا، منتشر شد.

یکی از ویژگیهای گروههای مخالف و تبعیدی خارج از ایران در سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ (۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ه. ش.) نداشتن استراتژی واحد و منسجم و رهبری بود. در این سالها، طرفداران جبهه ملی و حزب توده که هسته اصلی فعالان رسانههای مخالف را در خارج از ایران تشکیل می دادند، بیشتر از دانشجویان و جوانان فعال تشکیل شده بود. فعالیت مطبوعاتی این عده با بدبینی و شعارهای خشم آلود دنبال می شد و در عین حال به دلیل نداشتن رهبری باتجربه در خارج و تشکیلات در داخل ایران، شعارهای بی شمار این فعالان جوان بیشتر برای سرپوش گذاشتن بر ناامیدی و رنج آنان ارائه می شد. افزون بر این، رهبران داخل ایران یا به زندان افتاده و کشته شده و یا کاملاً سکوت اختیار کرده بودند. هم جبهه ملی و هم حزب توده که نمایندگان طیفی از

ناسیونالیستها، لیبرالها، سوسیالیستها و کمونیستها بودند، به خاطر عملکرد ضعیف خود طی سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ه. ش.) با موافقی جدی مواجه شده بودند. برخی از عوامل طرفدار مصدق مانند حزب ایران و «نیروی سوم» که با یکدیگر نهضت ملی ایران را تشکیل داده بودند، گاه گاه و پراکنده روزنامههای به نام «در راه مصدق» منتشر می کردند. جبهه ملی نیز به طرز متناوب روزنامهها و جزوههایی منتشر می کرد که بیشتر میان دانشجویان ایرانی اروپا و ایالات متحده توزیع می شد. یکی از منظمترین آنها «باختر امروز» بود که پیش از آن به عنوان روزنامه عصر از سوی «دکتر حسین فاطمی» در تهران منتشر می شد. فاطمی وزیر خارجه ایران، در دوران دولت مصدق بود و بعد از کودتای ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ ه. ش.) به دست رژیم شاه اعدام شد. «باختر امروز» که هر چهارده روز یک بار، در ژنو سوئیس منتشر می شد، از گان جبهه ملی ایران در اروپا بود. حزب توده هم ارگان خود «مردم» و پارهای از نشریههای تئوریک نظیر «دنیا» را منتشر می کرد. تمامی این نشریهها که در اروپای شرقی منتشر می شدند، به انتقاد از خود و سازماندهی مجدد اعضای حزب توده در خارج از کشور می پرداختند.

در سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱ ه. ش.) حدود ۲۰ روزنامه مختلف از سوی گروههای مخالف و انجمنهای دانشجویی در اروپا و ایالات متحده منتشر می شدند این نشریهها به قرار زیر بودند: «افکار شیعه» ارگان انجمن اسلامی ایران در اروپا، «پایگان» نشریه ۱۲ صفحه ای که از سوی دانشجویان ایرانی در منچستر انگلیس منتشر می شد، «همگام» نشریه ۱۶ صفحه ای دانشجویان ایرانی مقیم هامبورگ آلمان غربی، «دانشجو» ارگان اتحادیه دانشجویان ایرانی در نیویورک، «ایران نامه» از انتشارات سازمان دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا، «شهاب» ارگان گروه ملی دانشجویان ایرانی در آمریکا و «پیوند» ارگان فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان غربی و برلین که در مونیخ آلمان به چاپ می رسید.

کیفیت ضعیف اطلاعات فراهم شده برای مردم و همچنین نبودن سازمانی که بتواند توزیع نشریهها را در داخل و خارج آسان کند، از جمله ضعفهای نشریههای مخالف در این دوران به شمار می آید. از سوی دیگر، نبودن یک رهبری قوی برای افزایش مشروعیت رسانههای مخالف و ایجاد یک صدای پیوسته و متحد عقیدتی که مؤثر و رقابت آمیز باشد، از جمله ضعفهای دیگر رسانههای این دوران بود.

رسانههای مخالف در تبعید، طی دوران انقلاب مشروطه از منابع اصلی اخبار و اطلاعات به شمار می آمدند. در عوض طی دوران پس از جنگ جهانی دوم، رشد تکنولوژی ارتباط دوربرد و توسعه سازمانهای خبری فراملی در شکل ایستگاههای رادیویی و مجلههای خبری

سال اول
یومیه
مجله
مدرس کل
دولت الهی العینی مؤید الاسلام
ساحب انجاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جیل التین)
عنوان مریلات (مکتب)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاغذی
میرزا روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود
مجله روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخبار
با انشا قبول و در
۱۳۳۵ هجری قمری

ف
ادوار
نمره اول
مجله مدرس این جریه
نمره رجب ۱۳۰۷
شرقی در کوجه

تگی باعث به وجود آمدن کانالهای ارتباطی تازه و متقابل برای مردم شد. این حقیقت را نیز باید به موارد فوق افزود که مخالفان قبل از سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ ه. ش.) نتوانسته بودند به بهترین وجه از زیر ساختهای ارتباطی داخلی استفاده کنند، استفاده از ساختارهای ارتباطی بین المللی که جای خود دارد.

○ دوران مشروطه، تک پڑوهی

تاریخ سیاسی ایران از نامهای رهبران مذهبی و اجتماعی و همچنین از نامهای شاعران، پژوهشگران و دانشمندانی که به خاطر سلطه استبداد سلطنتی و حاکمان ستمگر مجبور به ترک کشور شده اند، سرشار است. با اینهمه، طوفان جابجایی اجتماعی این افراد در دوران سلسله قاجار (۱۸۷۵ تا ۱۹۳۵ - ۱۲۵۴ تا ۱۳۱۴ ه. ش.) فرا رسید. گروهی از روشنفکران ایرانی در رویارویی با استبداد، انجماد فکری، جهل، فقر، استعمار و همچنین سانسور، سرکوب و اختناق، احساس مسئولیت اجتماعی کرده و مبارزه علیه رکود سیاسی اجتماعی حاکم بر کشور را آغاز کردند. این عده یا مهاجرت کردند و آواره شدند و از فعالیتهای سیاسی محروم شدند. بسیاری از روشنفکران

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
 شماره ثبت کتاب: ۱۳۰۰۰
 شماره ثبت ناشر: ۱۳۰۰۰
 تاریخ ثبت: ۱۳۰۰/۰۱/۰۱
 کلاس: ۳۰۰
 شماره ثبت کتاب: ۱۳۰۰۰
 شماره ثبت ناشر: ۱۳۰۰۰
 تاریخ ثبت: ۱۳۰۰/۰۱/۰۱
 کلاس: ۳۰۰
 شماره ثبت کتاب: ۱۳۰۰۰
 شماره ثبت ناشر: ۱۳۰۰۰
 تاریخ ثبت: ۱۳۰۰/۰۱/۰۱
 کلاس: ۳۰۰
 شماره ثبت کتاب: ۱۳۰۰۰
 شماره ثبت ناشر: ۱۳۰۰۰
 تاریخ ثبت: ۱۳۰۰/۰۱/۰۱
 کلاس: ۳۰۰

از جمله افراد دیگری بودند که در انتشار «اخر» نقش داشتند. این دو نفر زمانی که در قسطنطنیه بودند، از سوی مقامهای ایران به اتهام توطئه در ۱۷ جولای ۱۸۹۶ در تبریز اعدام شدند. (۳) «اخر» همواره از سوی انتشارات دولتی مورد حمله قرار می گرفت هنگامی که روزنامه دولتی «ناصری» در سال ۱۸۹۳ (۱۲۷۲ ه. ش. منتشر شد، یکی از عملکردهایش جلوگیری از نفوذ بیشتر «اخر» در میان مردم بود.

«اخر» نه تنها اولین روزنامه‌ای بود که توسط ایرانیان در تبعید منتشر شد، بلکه موفقترین نشریه‌ای بود که مالکیت آن خصوصی بود. این نشریه که بیش از بیست سال منتشر می شد، در سال ۱۸۹۶ (۱۲۷۵ ه. ش.) از سوی دولت عثمانی قسطنطنیه ممنوع و چاپخانه آن نیز مصادره شد. (۴)

هیچ کس مانند «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» (افغانی) در ارتقای وحدت جهان اسلام - طی ربع آخر قرن نوزدهم - این چنین نقش مهمی را ایفا نکرده است. وی با «شخصیتی فوق‌العاده نیرومند، با قدرتی خارق‌العاده در آموزش، و با فصاحتی بی‌مانند در کلام و نوشتار (۵) به طور همزمان، یک فیلسوف، نویسنده، واعظ و روزنامه‌نگار بود و به عنوان یک فرد فعال سیاسی، رقیب نداشت. وی به این نکته پی برده بود که برای نیل به پیروزی در مبارزه باید به همراه یارانش به چند هدف عمده دست یابد. آنان می‌بایست توده‌ها را به قیام وامی‌داشتند و تبلیغات حاکمان مستبد ایران، مصر، ترکیه و سایر کشورهای اسلامی را خنثی می‌کردند. سیدجمال‌الدین قادر به انجام همه این امور بود و تنها ابزار اصلی وی از سال ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۵ (۱۲۶۱ تا ۱۲۶۶ ه. ش.) برای تحقق آن، روزنامه او بود: «العروة الوثقی».

این روزنامه که در کل سیاسی و دارای موضعگیری بود و به زبان عربی در پاریس منتشر می‌شد، در بسیاری از کشورهای اسلامی خاور نزدیک نیز از جمله: ایران، ترکیه و هند خواننده داشت. حاکمان مستبد خاور نزدیک از حمله‌های این روزنامه و نفوذ فزاینده آن احساس خطر می‌کردند. «العروة الوثقی» اگرچه از سوی ناصرالدین شاه ممنوع اعلام شده بود، اما در ایران توزیع می‌شد. ناصرالدین شاه با افکار انقلابی سیدجمال‌الدین مخالف بود، اما به گفته «سرسایکس» سرمقاله‌های «العروة الوثقی» تأثیر زیادی بر شاه می‌گذاشت. (۶) این نشریه در سال ۱۸۸۵ (۱۲۶۴ ه. ش.) به پایان عمر خود رسید. سیدجمال‌الدین به عنوان یک «ارتباط‌گر» به جبهه مخالفان، قدرت و اعتبار بخشید و روز بروز از طریق روزنامه و اطلاعیه دشمنان خویش را در تنگنای بیشتری قرار داد. او در راستای انجام مأموریت خود از هر وسیله ارتباطی که در آن دوران شناخته شده بود، نظیر نامه، خطابه و نشریه استفاده می‌کرد و در سرمقاله‌های خود از استبداد و خلفکاریهای



طبقه حاکم که افراد بسیاری را به تبعید می‌فرستاد، سخن می‌گفت. او تلاش می‌کرد تا فساد همه بخشهای دولت و بی‌قانونی جامعه را منعکس کند.

سیدجمال‌الدین به‌مثابه یک عالم مسلمان و متفکر اجتماعی، در عصر خویش پیشتاز مخالفت با نفوذ امپریالیسم غرب در جهان اسلام بود. فعالیت‌های آموزشی و سیاسی در مصر در اواخر دهه ۱۸۷۰ (۱۲۴۹ ه. ش.)، خطابه‌ها و نوشته‌ها در هند از سال ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۲ (۱۲۵۹ تا ۱۲۶۱ ه. ش.)، فعالیت‌های روزنامه‌نگاری در «العروة الوثقی» - به سال ۱۸۸۴ (۱۲۶۳ ه. ش.) در پاریس و سخنرانیها و تفسیرهای اجتماعی در ایران، ترکیه و روسیه از جمله نکته‌های برجسته خلاقیت سیدجمال است که وی را به عنوان طلایه‌دار ارتباط‌گری در عصر خویش از دیگران جدا می‌کند. آثار و فعالیت‌های سیدجمال‌الدین در زمانی آشکار شد که خطر غرب در بسیاری از مناطق خاورمیانه و آسیا، به‌ویژه در ایران، مصر و هند احساس می‌شد.

در حالی که اصلاح‌طلبان لیبرال غرب‌گرا نظیر ملکم‌خان در ایران (و بعدها عبده در مصر) به طبقات بالای اجتماعی متوسل می‌شدند، نظرها

قانونهای ثابت است که می‌تواند ایران را در توسعه منابع و تأمین آینده کشور موفق کند. بسیاری از مستفکران نامی از جمله سیدجمال‌الدین برای این روزنامه مطلب می‌نوشتند.

نشریه تازه انتشار یافته «قانون» نخستین چالش خود در تبعید را طی سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۲ (۱۲۶۹ تا ۱۲۷۱ ه. ش.) تجربه کرد. نتیجه این چالش بسیار مهم بود. شاه در سال ۱۸۹۰ (۱۲۷۹ ه. ش.) انحصار تنباکو را به یک کمپانی بریتانیایی واگذار کرد. این امتیاز ناعادلانه حق کنترل ایران بر تولید، فروش و صادرات تنباکو را به بریتانیا داد. ماهیت و دامنه امتیازهایی که قبلاً از سوی ایران داده شده بود، به خاطر نبودن نشریه‌های مستقل درک نشده بود. اما امتیاز تنباکو در مرحله‌ای واگذار شد که روزنامه‌های خارج از ایران، علیه رژیم ناصرالدین شاه مبارزه می‌کردند. وقتی واگذاری این امتیاز اعلام شد، نشریه‌های مخالف به سرعت و بسا قدرت واکنش نشان دادند. روزنامه «اختر» در قسطنطنیه گزارش تفصیلی این واقعه را حتی پیش از آنکه خبر واگذاری این امتیاز به طور رسمی در تهران اعلام شود، منتشر کرد. روزنامه شماره ۹ نوامبر ۱۸۸۰ (۱۲۵۹ ه. ش.) «اختر» حاوی یک گزارش مشروح درباره این امتیاز بود. در این گزارش، ملاحظه‌های روزنامه «اختر» نیز به گزارش افزوده شده بود. این روند از طرف سایر روزنامه‌هایی که در پاریس و لندن منتشر می‌شدند نیز دنبال شد. به محض آنکه این نشریه‌های مخالف به ایران رسیدند، هیجان و ناآرامی کشور را فراگرفت.

«اختر»، «العروة الوثقی»، «قانون» و همه روزنامه‌های در تبعید سرمقاله‌های قاطع و متقاعدکننده‌ای در قبال امتیاز تنباکو نوشتند. در اوایل سال ۱۸۹۲ (۱۲۷۱ ه. ش.) مسئله تنباکو در خشونت‌آمیزترین مرحله خود قرار گرفته بود. مبارزه‌های رسانه‌ها در خارج از ایران، بویژه نامه‌های جمال‌الدین به علمای مذهبی و فشار عمومی داخل کشور باعث شد تا آیت‌الله العظمی حاج میرزا حسن شیرازی، فتوای منع استعمال دخانیات را تا زمان لغو امتیاز تنباکو صادر کند.

○ اهمیت روزنامه‌نگاری انقلابی

در خارج از کشور

اگرچه موضوع تنباکو خاتمه یسافت، اما پیامدهای آن به پایان نرسید. کاهش شدید نفوذ خاندان سلطنت و لطمه خوردن به وجهه خارجی کشور یکی از جمله پیامدهای آن بود. اما از سوی دیگر علما و همچنین برخی از روزنامه‌های خارج از کشور در قضیه تنباکو حیثیت کسب کردند. حال آنکه در همین دوران، روزنامه‌هایی که توسط دولت در تهران و سایر شهرها منتشر می‌شدند، از نظر میزان نفوذ

و آثار سیدجمال‌الدین در میان همه بخشهای جامعه ایران از محبوبیت برخوردار می‌شد. نظرها و آثار او بویژه در میان طبقه متوسط و توده‌هایی که به جای انتظار برای عقاید وابسته غربی کماکان منتظر تفسیر مفاهیم و دیدگاه‌های سنتی اسلامی در جهان دگرگون آن دوران بودند، طرفداران بیشتری داشت. جمال‌الدین یک ایدئولوژی بومی مبتنی بر اسلام را به مردم عرضه کرد. وی بویژه هنگامی در این کار کوشش کرد که در مصر، هند و ایران علیه تحمیل غرب و واکنشهایی انجام می‌گرفت و در ترکیه نیز «جنبش تنظیمات» (۷) با مشکلاتی روبرو شده بود. نگارش مقاله «رد ماتریالیستها» که به وسیله وی نگاشته شد، حمله‌ای علیه تنظیمات و کسانی بود که غرب را الگوی تجدیدگرایی می‌پنداشتند. باید یادآور شد که فعالیت‌های رسانه‌های جمال‌الدین و واکنش او در برابر سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب در زمانی صورت گرفت که علما و رهبری مذهبی آنان در فراسوی کنترل شاه در عراق قرار داشت و شهرهایی از قبیل نجف و کربلا به مراکز فعالیت مخالفان علیه شاهان حاکم قاجار تبدیل شده بود.

«میرزا ملک‌خان» یکی از نویسندگان برجسته تبعیدی در این دوران بود. «ملک‌خان» بنیانگذار روزنامه «قانون»، یک اومانیست لیبرال بود که در دربار «سنت‌جیمز» به عنوان سفیر ایران خدمت کرد و سپس یک گروه فراماسونری را در ایران به وجود آورد. وی بعدها دربار قاجار را ترک کرد و برای زندگی به لندن رفت. اولین شماره «قانون» که به زبان فارسی منتشر شد، در ۲۰ فوریه ۱۸۹۰ (۱۲۶۹ ه. ش.) در لندن منتشر شد. «ملک‌خان» برای این روزنامه چهارهدف عمده در نظر گرفت: انتشار حقایق، ایجاد وحدت (در بین مردم)، درخواست اجرای قانون و برگرداندن نظم، و بالاخره کمک به مردم زیر ستم^۸ این «ملک‌خان» بود که در سرمقاله‌های خود خواستار پارلمانی غربی برای ایران شد تا مردم بتوانند آزادانه همه مسائل مربوط به رفاه کشور را در آن به بحث بگذارند. از نوشته‌های «ملک‌خان» چنین برمی‌آید که وی تحت‌تأثیر سیستم پارلمانی بریتانیا بوده است. او معتقد بود تنها سیستم قانونگذاری پارلمانی و

● عامل دیگری که در مشروعیت عقیدتی مهاجران و در مشروعیت روزنامه‌های آنان نقش داشت، توانایی آنها در ایجاد یک دیدگاه منسجم متقابل و تبدیل آن به عمل و اقدام سیاسی بود.

بر مردم در پایین‌ترین سطح قرار داشتند. انتشار روزنامه‌ها در تبعید، طی آخرین دهه قرن نوزدهم، به سرعت افزایش یافت. «میرزا عبدالرحمان طالبوف» و همکارانش در سال ۱۸۸۹ (۱۲۶۸ ه. ش.) دومین نشریه ایرانی را در قسطنطنیه منتشر کردند. این نشریه که هرماه یک‌بار منتشر می‌شد، «شاهسون» (نام ایلی در ایران) نام داشت. «شاهسون» در تیراژی برابر با ۳۰۰ نسخه منتشر می‌شد و «با قرار داده شدن در پاکت به صورت نامه برای دولتمردان، بازرگانان و روحانیون مختلف در ایران فرستاده می‌شد»^۹.

سه سال بعد، در سال ۱۸۹۲ (۱۲۷۱ ه. ش.) هفته نامه «حکمت» در قاهره به سردبیری «میرزا مهدی تبریزی» منتشر شد. به دنبال انتشار هفته‌نامه «حکمت»، هفته نامه «حبل‌المتین» نیز در سال ۱۸۹۳ (۱۲۷۲ ه. ش.) در کلنگته انتشار یافت. کار ویراستاری «حبل‌المتین» به عهده «سیدجلال‌الدین کاشانی» بود. مدتی نگذشت که چاپخانه «حبل‌المتین» به کانون انتشارات وسیع ایرانیان سراسر هند تبدیل شد. هنوز سال ۱۸۹۸ فرانسوی‌ها بودند که دومین روزنامه فارسی زبان، به نام «ثریا» در قاهره پا به عرصه

جود گذاشت. بنیانگذاران «ثریا» دو ایرانی ادیخواه به نامهای «میرزا علی محمدخان» و «سید فرج الله» بودند که هر دو تن اهل کاشان بودند. همکاری میرزا علی محمدخان و سید فرج الله در سال ۱۹۰۰ (۱۲۷۹ هـ. ش.) به پایان رسید. به دنبال قطع همکاری این دو تن، م روزنامه از «ثریا» به «پروورش» تغییر کرد و میرزا علی محمدخان سردبیر آن شد.

در اوایل قرن نوزدهم و اوایل قرن سیم، نزدیک به ۳۲ روزنامه در خارج از ایران - لندن تا قاهره - منتشر می شد. این روزنامهها همه انقلابی بودند و محتوایی اسلامی و ادیخواهانه داشتند، در جدول شماره براساس شهرهایی که در آنها انتشار می یافتند، فهرست شده اند. هند مرکز این نشریات بود. پانزده روزنامه از بیست و دو روزنامه در شهرهای هند منتشر می شدند. هند علاوه بر دلایل تاریخی و فرهنگی از یک برتری میان توجه جغرافیایی یعنی داشتن مرزهای مشترک با ایران برخوردار بود. ناشران می توانستند روزنامه های خود را به آسانی از طریق مرزهای غربی هند و خلیج فارس به ایران برسانند.

مشروعیت رسانه های در تبعید

رسانه های خارج از مرزهای ملی در پایان قرن نوزدهم همان طور که نمونه های «اختر»، «العروة الوثقی» و «قانون» نشان می دهند، از مشروعیت و محبوبیت خاص برخوردار بودند، مشروعیت و محبوبیتی که تاریخ ایران را

پدید آورده بود. این امر دلایل گوناگونی داشت. از طه نظر عقیدتی، نظر همگان این است که این دوران عصر بیداری مردم از خواب قرون وسطایی بود. در این عصر، بزرگترین متفکران ایست نوین ایران ظهور کردند. عقاید بی-نند متفکران خلاق چون میرزا آقاخان یمانی و سید جمال الدین هنوز از جمله ستاردهای پایه ای و جدی روشنفکران ایران نمی می شود. در این دوران، شاهد ظهور برخی چهره های درخشان در زمینه طنز سیاسی نیز هستیم. آثار دهخدا و دیگران نمونه هایی در این زمینه می باشند. در حقیقت، طرح سید جمال الدین برای رنسانس اسلامی، طرح جامعه نوی ملوک خان و طرح اولیة میرزا آقاخان سرمانی برای سوسیالیسم مردمی، شم اندازهای چندین نسل از روشنفکران ایران تعیین کرد.

عامل دیگری که در مشروعیت عقیدتی مهاجران و در مشروعیت روزنامه های آنان نقش داشت، توانایی آنها در ایجاد یک دیدگاه سبج مقابله و تبدیل آن به عمل و اقدام سیاسی بود. آنها به شدت معتقد بودند که ملکرد رسانه های مخالف فقط ارائه تحلیلهای بیق و تفکر برانگیز در باره شرایط حاکم

اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه رسانه های مخالف در عین حال، باید افکار عمومی را در راستای عمل سیاسی بسیج کنند. شیوه، زبان روشن (شعارها و واژگان همیشگی) و محتوای نقادانه سیاسی و ادبی این نشریه ها، هم مردم عادی و هم میهن پرستان و روشنفکران آگاه را جذب می کرد. مشروعیت عقیدتی این رسانه ها به خاطر بحران مشروعیتی که همواره در برابر شاهان قاجار قرار داشت، بیش از پیش تقویت شد. ماهیت غیر ایدئولوژیک ناصرالدین شاه، ویرانی، فساد، شکستهای نظامی و کاربرد نابجای تکنولوژی دست به دست یکدیگر دادند و برجذابیت برنامه های سیاسی مهاجران افزودند. مطبوعات بیشتری مخالفت را با اقتدار شخصی شاه داشتند. آنها معتقد بودند که شاه ستمگر حقوق مسردم ایران را به بیگانگان می بخشد، بنابراین تعجب برانگیز نیست که ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی یکی از پیروان جمال الدین به قتل می رسد.

افزایش اعتبار نشریه ها در خارج از مرزهای ملی با سقوط روزنامه های داخلی در ایران همزمان بود. در اوایل سالهای قرن نوزدهم در برابر هر روزنامه ای که در ایران منتشر

می شد، حدود شش روزنامه در تبعید انتشار می یافت. نبودن کانهای ارتباطاتی در داخل کشور، حضور نشریه هایی را که در تبعید منتشر می شدند، عینی تر و جدی تر کرد. نشریه های مخالف، در حقیقت باوقابتی جدی از سوی نشریه های دولتی مواجه نبودند. شایان ذکر است که روزنامه نگاران تبعیدی، نشریه های خود را در کشورها و شهرهایی تأسیس کردند که از برتری جغرافیایی برخوردار بودند. به عنوان



● بسیاری از روشنفکران ایرانی در تبعید به این نتیجه رسیدند که انتشار روزنامه های آزاد، مؤثرترین ابزار آمیختن خودآگاهی با فعالیت های سیاسی است.

قانون

امداد - مسئولیت - آزادی

مجلس شورای ملی - تهران - ۱۳۰۵

قانون...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

نمونه، به دلیل نبودن امکانات حمل و نقل و سطح فیزیکی تحرک، گرفتن یک روزنامه تبعیدی از باکو یا قسطنطنیه برای آذربایجان و یا تهیه یک نشریه از کراچی و سایر شهرهای هند برای استانهای غربی و جنوبی کشور بسیار آسانتر از تهیه نشریه از تهران یا تبریز و بوشهر بود.

نمی توان روزنامه های در تبعید را صرفاً مجموعه ای از اوراق سیاسی خواند که حاوی اندیشه دفاع از نظام پارلمانی بودند.

آنها نشریه های دارای اطلاعات نیز بودند و افزون بر این، یک منبع عمده خبری برای خوانندگان ایرانی به شمار می آمدند. در سالهای پایان قرن نوزدهم خوانندگان ایرانی تقریباً بیشتر اخبار خارجی و داخلی را از نشریه هایی که در خارج منتشر می شدند، دریافت می کردند. اخباری مانند جنگ ژاپن و روسیه و انقلاب ۱۹۰۵ روسها از طریق روزنامه های خارج از کشور به خوانندگان ایرانی رسید.

فعالان تبعیدی علاوه بر برخورداری از مزایای عقیدتی و اطلاع رسانی نشان دادند که سازمان دهندگان موفق نیز هستند. آنها به منظور گسترش و رواج عقاید خود در سراسر ایران علاوه بر بهره گیری از کانالهای مدرن ارتباطاتی از کانالهای سنتی ارتباطات نیز حداکثر استفاده لازم را بردند. این افراد انجمنها و احزاب سیاسی را تشکیل داده و دیدگاههای خود را از منبرها تبلیغ کردند. (۱۰) افزون بر این، آنها از بازار با تمامی نظام تمام عیار و منسجم اجتماعی آن، سازمانهای خیریه و روابط خانوادگی سود جستند. روزنامه ها و سایر کانالهای ارتباطاتی در غیاب وسایل مدرن ارتباطاتی نظیر رادیو و تلویزیون، از طریق کاربرد بدیع و جالب توجه نشریه ها، اعلامیه های سیاسی، مجله ها، تلگراف و غیره نقشی اساسی ایفا کردند. فعالان تبعیدی توانایی آن را داشتند که خواسته های پراکنده و رنجهای مردم رابه صدایی پیوسته و منسجم برای ایجاد تغییر و اصلاح تبدیل کنند.

نمی توان این پیشتازان پیشرفت را نماینده زندگیهای ضرر دیده کسانی دانست که راه بازگشت به کشور را گم کرده بودند. آنها بیگانگان فرهنگی در محیطی خارجی نبودند. از دیدگاه ناظران بی تفاوت و غیرسیاسی، از خود گذشتگی، شهامت و مسئولیت پذیری این ارتباط گران ورزیده در قبال مسائل کشور غیر قابل درک است. این ارتباط گران، سازندگان دوران شکوفایی هستند که به عصر بیداری ایرانیان مشهور است. آنها در یک تکاپوی بی مانند تاریخی توان خویش را در شکل دادن به عقاید و کاربرد انرژیها در این راستا به نمایش گذاشتند. آنها همچنین نشان دادند که توان استفاده از مبانی اخلاقی را به عنوان منبع الهام بخش اعمال دارا هستند. برای مثال، جمال الدین بیشتر عمر خویش را در سفر

و گریز گذراند.

اگر سطح پایین امکانات حمل و نقل آن دوران را در نظر بگیریم، درک این نکته که جمال الدین از ایران تا افغانستان، هند، مصر، ترکیه و اروپا (بعضی وقتها در دورانی بسیار کوتاه) برای ارتقای وحدت جهان اسلام پیموده بود، اعجاب انگیز خواهد بود.

جمال الدین در مقاله ها، بحثها و گفتگوهای خود از امکان نشریه های اروپا نیز در راستای انتشار دیدگاههای خود برای مردم سود جست. مقاله های وی در سطح وسیعی از نشریه های انگلیس نقل می شد و از نظر سیاستمداران پیشتاز بریتانیایی آن دوران، جمال الدین «شخصیتی مهم و در عین حال سرسخت» بود. (۱۱)

جنبشهای ضد امپریالیستی و مشروطه خواهی به انقلاب ایران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۶ (۱۲۸۴ تا ۱۲۸۵ هـ. ش.) منجر شد. چاپخانه ها، ناشران و سردبیران در بسیج مردم برای انقلاب و حفظ روحیه مبارزه جویی آنها علیه استبداد، نفوذ قابل توجهی داشتند. وجود رژیم استبدادی ناصرالدین شاه و اعمال سانسور در ایران، به انتشار نشریه ها در خارج از مرزهای ملی انجامید. اصلیترین مبنای تفکرات انقلابی از نشریه های در تبعید سرچشمه می گرفت. اگر چه دولت این نشریه ها را در مرز ضبط می کرد و حمل آنها به صورت قاچاق برای حمل کننده آن، خطر بازداشت به همراه داشت. با این همه سازمانهای انقلابی در ایران، قادر به توزیع این نشریه ها در سراسر کشور بودند.

● رسانه های مخالف در تبعید طی دوران انقلاب مشروطه از منابع اصلی اخبار و اطلاعات به شمار می آمدند.

● در سالهای پایان قرن نوزدهم، خوانندگان ایرانی، بیشتر اخبار خارجی و داخلی را از نشریه‌هایی که در خارج منتشر می‌شدند، دریافت می‌کردند.

نتیجه

نیز ارتباط فرهنگ با سیاست است. در این مقطع، سرعت واکنشهای متقابل ارتباطاتی به حدی زیاد می‌شود که ماشین دولتی به سختی می‌تواند با «قوانین خود» به بازی ادامه دهد. برای فرایندهای بوروکراتیک تصمیم‌گیری، انجام چنین وظیفه‌ای کاملاً سنگین است و به کندی می‌تواند با بحران مشروعیت خود دست و پنجه نرم کند. این دقیقاً همان مسئله‌ای است که برای سلسله‌های پهلوی و قاجار و اربابان و حامیان آنها (بریتانیا، روسیه و ایالات متحده) طی انقلابهای مشروطه و اسلامی در اوایل و اواخر قرن بیستم رخ داد. طرح این مقوله هرگز به مفهوم ندیده گرفتن عوامل سیاسی، نهادی، اقتصادی و سایر عوامل بازدارنده که در سقوط نظام نقش داشتند، نیست. این مقوله تنها نشان می‌دهد که مشروعیت و تأثیر ارتباطاتی مخالفان و توان آنها در یکپارچه کردن خویش در درون یک نظام فرهنگ سنتی به مثابه یک کلیت، می‌تواند به طرزی بسیار مهم، در علل و دامنه این بحرانها تأثیر گذار باشد. دقیقاً در همین مرحله است که گروههای مخالف با شبکه مستحکم و نوین ارتباطاتی خود از بحران مشروعیت در روابط بین‌المللی و شبکه جهانی موجود ارتباطات بهره می‌جویند تا مواضع و توانایی خود را به طرزی غیرقابل درک در نظام خشک مبتنی بر نشانه‌ها و علائم ماشین دولتی، برای عملیات هدایت کنند.

این نکته جالب توجه است که محتوای فعالیت‌های ارتباطاتی مخالفان در فرایند ضدبسیج در هردو انقلاب مشروطه و اسلامی نه به سوی «کثرت گرایی» وایدئولوژیهای پیشرو که به سوی «کل شیوه زندگی» و «ساختار عواطف» که جزء جدانشدنی مبارزه‌ها هستند، هدایت شد.

ارتباطات بین‌المللی در شکل شرکت رسانه‌های خارج از کشور در امور مختلف، هم برای اصلاح‌طلبان و هم برای نیروهای انقلابی توان یکپارچه کردن منابع و مشروعیت بخشی به مسائل آنان را فراهم کرده است. در این فرایند، بخشهای وسیعی از مردم بسرای شرکت در رویارویی با نظام سیاسی-اجتماعی موجود بسیج می‌شوند. اگر به زبان ساده‌تری سخن بگوییم، باید گفت همان گونه که نخبگان حاکم می‌توانند منابع ملی خود را برای حفظ قدرت خویش بسیج کنند، ضدنخبگان نیز می‌توانند با گردآوری نیروی خود از طریق کاربرد جامع زیر ساختهای ارتباطاتی بین‌المللی دست به یک ضدبسیج بزنند، با این همه، میزان تاثیر این ضدبسیج در هر مورد خاص، به میزان مشروعیت سیاسی و فرهنگی و انسجام عقیدتی-همانگونه که در مورد تاریخ معاصر ایران بروز کرد- وابسته است.

اگرچه این بسیج در سطح بین‌المللی (ضدبسیج در خارج از مرزهای ملی) با عنوانهای «تجددگرایی در برابر سنت» و «استبداد در برابر دموکراسی» و «قبیله‌گرایی در برابر ملی‌گرایی» مطرح می‌شود، اما این مقوله‌ها نمی‌توانند به حد کافی فرایند کنونی بازخیزشهای اجتماعی-فرهنگی و مذهبی-سیاسی سراسر جهان را تبیین کنند. درک این مقوله‌ها هنگامی آسانتر می‌شود که از بحث کلاسیک «کاهش‌گرایی» که بر مبنای یک قدرت دولت مدار استوار است، به یک قدرت ریشه‌ای‌تر که این نیروها عرصه نبرد خویش را در آن می‌یابند، تغییر جهت دهیم. یکی از عواملی که با آن می‌توان به نمودار موفقیت و ناکامی این نوع از بسیج دست یافت، توسعه شبکه جهانی ارتباطات و ارتباطات رقمی سرمایه با اطلاعات و

خشی از فضای سیاسی و روشنفکری پایان نوزدهم ایران، توسط گروه کوچکی از سلیکردگان در تبعید به وجود آمده بود. یه‌های خارج از کشور دارای چندین وصیت مشترک بودند: کاملاً میهن پرست، خواستار حقوق قانونی بودند و حامی دگرایی بودند. اما بر سر چگونگی نژدینی نهادهای «مدرن» به جای نهادهای «تبی» دیدگاههای متفاوتی داشتند. این نورد افکار متفاوت را می‌توان به آسانی از ق بررسی محتوای چند نشریه در تبعید ری کرد. نشریه‌هایی چون «العروة الوثقی» اریس و «حبل‌المتین» در کلکته که مشی مقاله‌های آنان به شدت بر یک جامعه اسلامی د می‌کرد، طرفدار اصلاحاتی بودند که از چوب فرهنگی خاورمیانه و فلسفه اسلامی اکتساب بود. حال آنکه «قانون» در لندن، وورش» در قاهره و «اختر» در قسطنطنیه ش قوی «غربی شدن» را داشتند. (۱۲)

زنامه‌نگاری در آستانه چرخش قرن، یک ی اجتماعی در ایران به شمار می‌آمد. به‌های خارج از کشور کار خود را به نحو ن انجام دادند. در حقیقت جنبش رسانه‌های ی و جنبش ادبی چنان قدرتمندانه به ت یکدیگر پیشروی کردند که در دوران ب مشروطه به تحول ادبیات و شعر مردمی و منجر شدند. از آن هنگام به بعد، کشور بر نبرد و جنگ برای پیروزی نهایی شد. بی که رسانه‌های مخالف در طراحی آن داشتند.

جدول مقایسه‌ای نشریه‌های ایرانی در خارج از
مرزهای ملی

شهر	تاسیس طی سالهای ۱۸۳۷ تا ۱۹۰۰	تاسیس طی سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۲	تاسیس طی سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۲
کلکته	۷	-	-
بسی	۴	۱	۲
قاهره	۳	۲	-
استانبول	۲	-	۱
دهلی	۱	-	-
پاریس	۱	۱	۱
حیدرآباد	۱	-	۱
لندن	۱	۲	-
الیکراهند	۱	-	-
کراچی	۱	-	-
باکو	-	۱	۱
اسکندریه	-	۱	-
عشق‌آباد	-	۱	-
بفداد	-	-	۱
بخارا	-	-	۱
واشنگتن	-	-	۱
کابل	-	-	۱
آوردون سوئیس	-	-	۱
مکه	-	-	۱
نجف	-	-	۱
	۲۲	۹	۱۳

منبع: تألیف نویسنده

جدول شماره یک

اولین نشریات ایرانی در خارج از مرزهای ملی (۱۸۷۵ تا ۱۹۰۰)

نام نشریه	سردبیر یا ناشر	دوره انتشار	سال تاسیس	مکان
اختر	میرزا مهدی و محمد طاهر تبریزی	هفته‌نامه	۱۸۷۵	فسطاطیه
العروة الوثقی	سید جمال‌الدین	هفته‌نامه	۱۸۸۲	پاریس
قانون	میرزا ملکم‌خان	ماهنامه	۱۸۸۹	لندن
شاهسون	میرزا عبدالرحمان طالبوف	ماهنامه	۱۸۸۹	فسطاطیه
حکمت	میرزا مهدی تبریزی	هفته‌نامه	۱۸۹۲	قاهره
حیل‌المتین	سید جلال‌الدین کاشانی	هفته‌نامه	۱۸۹۳	کلکته
نریا	میرزا علی محمدخان اهل کاشان و سید فرج‌الله اهل کاشان	هفته‌نامه	۱۸۹۸	قاهره
پرورش	میرزا علی محمدخان اهل کاشان	هفته‌نامه	۱۹۰۰	قاهره

نشریه‌ها براساس تاریخ تنظیم شده‌اند
منبع: تألیف نویسنده

ACCEPTABILITY OF MESSAGES
CASE STUDY
COMMUNICATION CREDIBILITY
COMMUNICATIVE ACTIONS
COMMUNICATOR
COMPETITIVE NATURE
CONSISTENCY
CONVINCING EDITORIALS
CORRECTIVE ACTIONS
CULTURAL STRANGULATION
DETAILED ACCOUNT
DISTRIBUTION
ECOLOGY OF COMMUNICATION TECHNOLOGIES
EFFECTIVENESS OF COMMUNICATION
ELECTRONIC MEDIA
EXILED MEDIA
Feedback
FORTNIGHTLY PAPER
FREE NEWSPAPERS
GENERAL MEDIA
INDEPENDENT
INFORMATION
INFRASTRUCTURAL CAPABILITIES
INTELLECTUAL SUFFOCATION
INTERNATIONAL COMMUNICATION
LEGITIMACY AND AUTHORITY
LEGITIMIZING PROCESS
MEANS OF COMMUNICATION
MEDIA A TRANSMISSION BELT
MEDIA CAMPAIGNS
MEDIA LEGITIMACY
MEDIA OF COMMUNICATIONS
MEDIA SYSTEMS
MONTHLY
MONTHLY
MOUTHPIECE
OPPOSITION MEDIA
OPPOSITIONAL PAPERS
OPPOSITION PRESS
ORGANIZATIONAL CAPABILITIES
ORGANIZATIONAL CHANNELS
ORGANIZATIONAL COMMUNICATIONS
PERFORMANCE OF OPPOSITION MEDIA
PRESS
PRINT MEDIA
PRINTING HOUSE
SOCIAL COMMUNICATION
SOURCES OF NEWS
TELECOMMUNICATION
THEORETICAL FRAMEWORK
TRANSNATIONAL NEWS ORGANIZATIONS
WEEKLY

میزان مقبولیت پیامها
تک پژوهشی، مطالعه موردی
اعتبار ارتباطاتی
کنشهای ارتباطاتی
ارتباطگر
ماهیت رقابت‌آمیز
پیوستگی اخبار
سرمقاله‌های متقاعدکننده
کنشهای اصلاحی
اختناق فرهنگی
گزارش مشروح
توزیع
بوم‌شناسی تکنولوژیهای ارتباطات
مؤثر بودن ارتباطات
رسانه‌های الکترونیک
رسانه‌های در تبعید
بازفرست
روزنامه‌ای که هر دو هفته یک‌بار منتشر می‌شود
روزنامه‌های آزاد
رسانه‌های عمومی
مطبوعات مستقل
عملکردهای اطلاع‌رسانی
تواناییهای زیرساختی
اختناق فکری
ارتباطات بین‌المللی
مشروعیت و اقتدار
فرآیند کسب مشروعیت
ابزارهای ارتباطی
رسانه‌ها به مثابه گم‌بند انتقالی
مجاززات رسانه‌ها
مشروعیت رسانه‌ها
رسانه‌های ارتباطاتی
نظام‌های رسانه‌ای
ماهنامه
تربیتیون
رسانه‌های مخالف
روزنامه‌های مخالف
مطبوعات مخالف
تواناییهای تشکیلاتی
کانالهای تشکیلاتی
ارتباطات سازمانی - ارتباطات تشکیلاتی
کنش رسانه‌های مخالف
مطبوعات
رسانه‌های چاپی
چاپخانه
ارتباط اجتماعی
منابع خبری منابع اخبار
ارتباطات دوربرد
چارچوب نظریه‌ای
سازمانهای خبری فراملی
هفته‌نامه

1. Hamid Mowlana, *Sey-re Ertebatate Eftemal dar Iran* (Social Communication in Iran), College of Mass Communication Publication, Gilan Press, Tehran, Iran, 1358 (1979), pp. 96-216, covering the period between 1875 and 1924. For the role of communication in the Islamic Revolution see, Hamid Mowlana, "Technology Versus Tradition: Communication in the Iranian Revolution" *Journal of Communication*, Vol. 29, No. 3, Summer 1979, pp. 107-112.
2. Edward G. Browne, *A Literary History of Persia*, 4 Vols. England: Cambridge University Press, 1926, Vol. IV, p. 468.
3. Edward G. Browne, *The Persian Revolution*, England: Cambridge University Press, 1910, pp. 94-96.
4. Mohammad Sadr-Hashemi, *Tarikh-e Jarasat va Majalet-e Iran* (History of Iranian Newspapers and Magazines), 4 Vols. Isfahan, Iran, 1327-1332 (1943-1953), Vol. 1, p. 64.
5. Edward G. Browne, *The Persian Revolution*, pp. 2-3M.
6. Sir Percy Sykes, *A History of Persia*, Vol. II, London: Macmillan, 1930, p. 396.
- 7- جنبش تنظیمات (Tanzimat Movement)... نسی چند از سلاطین عثمانی برای رهایی مملکت خود از نابسامانیها کوشیدند و از اواخر قرن هجدهم به اصلاحات مهمی در زمینهای سیاسی و اجتماعی دست زدند. این اصلاحات دوره پادشاهی سه سلطان یعنی سلیم سوم (۱۷۹۸ تا ۱۸۰۷) و محمود دوم (۱۸۰۸ تا ۱۸۳۹) و «عبدالمجید» (۱۸۳۹ تا ۱۸۷۱) را در بر گرفت. مهمترین مرحله آنها که در تاریخ عثمانی به «تنظیمات» معروف شده است، در سال ۱۸۳۹ با فرمانی به نام «خط شریف گلخانه» آغاز گشت که به موجب آن دولت عثمانی به بی‌داد بر رعایت پایان می‌داد و رسم اجاره مالیات را برمی‌چید و جان و خواسته و آبرو و آرزو همه اتباع عثمانی را، صرف نظر از کیش و نژادشان، ضمیم می‌کرد و همه آنان را در پیشگاه قانون برابر می‌شمرد. تکمیل این نیرمان «خط همایون» بود که در سال ۱۸۵۶ صادر شد. ولی مهمتر از هر دو آنها فرمان «عبدالمجید» در سال ۱۸۷۶ در اعلان قانون اساسی عثمانی بود. منبع: سیری در اندیشه سیاسی عرب- حمید عنایت- امیر کبیر- تهران ۱۳۶۸- صفحه ۱۱
8. Hamid Algar, *Mirza Matkum Khan: A Study in the History of Iranian Modernism*, Berkeley: University of California Press, 1973, pp. 188-189.
9. Edward G. Browne, *The Press and Poetry of Modern Persia*, England, Cambridge University Press, 1914, p. 106.
10. For a discussion on the role of manbar as a means of communication see Asghar Fathi, "The Role of the Islamic Pulpit", *Journal of Communication*, Vol. 29, No. 3, Summer, 1979, P.P. 102-107.
11. Edward G. Browne, *The Persian Revolution*, p. 9.
12. For the discussion of the conflicting ideas among the papers see: Ahmad Kesravi, *Tarikh-e Hijdah Saleh Azarbayjan: Ya Dastane Mashrotoeh Iran* (Eighteen Years of Azarbayjan History or the Story of Iranian Constitution) Six Vols., Vol., Tehran, 1320-1322 (1939-1941), Chapter I.



سازمان علمی و فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی
تهران